

به نام خدا

# جامعه شناسی بالینی از تئوری تا عمل

نویسندگان :

عبدالحمید وان - پوسپا ملاتی وان

ترجمه تألیف :

نادر صنعتی شرقی

حشمت صنعتی شرقی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۳)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه : وان، عبدالحلیم Wan, Abdul Halim  
عنوان و نام پدیدآور : جامعه‌شناسی بالینی از تئوری تا عمل / عبدالحلیم وان، پوسپا ملاتی وان؛ ترجمه  
تألیف نادر صنعتی شرقی، حشمت صنعتی شرقی.  
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو ( سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۳.  
مشخصات ظاهری : ۱۹۶ص.  
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۱۶۶-۷  
وضعیت فهرست نویسی : فیبا  
یادداشت : عنوان اصلی : Clinical Sociology: Moving from Theory to Practice.  
یادداشت : کتاب حاضر با عنوان «جامعه‌شناسی بالینی (حرکت از تئوری به سمت عمل)» با ترجمه نسیم  
نعمتی زاده توسط عصر نوین در سال ۱۴۰۲ منتشر شده است.  
عنوان دیگر : جامعه‌شناسی بالینی (حرکت از تئوری به سمت عمل).  
موضوع : جامعه‌شناسی بالینی Clinical sociology  
شناسه افزوده : وان، پوسپا ملاتی شناسه افزوده : Wan, Puspa Melati  
شناسه افزوده : صنعتی، نادر، ۱۳۵۵ - مترجم  
شناسه افزوده : صنعتی، حشمت، ۱۳۴۵ - مترجم  
رده بندی کنگره : HM۵۸۵  
رده بندی دیویی : ۳۰۱  
شماره کتابشناسی ملی : ۹۷۰۰۱۳۳  
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب : جامعه‌شناسی بالینی از تئوری تا عمل  
نویسندگان : عبدالحلیم وان - پوسپا ملاتی وان  
ترجمه تألیف : نادر صنعتی شرقی - حشمت صنعتی شرقی  
ناشر : انتشارات ارسطو ( سازمان چاپ و نشر ایران )  
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر  
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۳  
چاپ : زبرجد  
قیمت : ۲۵۰۰۰۰ تومان  
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان :

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۱۶۶-۷

تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



انتشارات ارسطو



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	فصل اول.....
۹	برپایی صحنهای برای.....
۹	حضور جامعه شناسی بالینی.....
۱۴	از جامعه شناسی بنیادی تا جامعه شناسی کاربردی: داستان یک پیوستار.....
۲۰	انواع جامعه شناسی کاربردی.....
۳۳	ورود جامعه شناسی بالینی به صحنه.....
۳۶	ریشه های جامعه شناسی بالینی.....
۴۵	REFERENCES.....
۴۹	فصل دوم.....
۴۹	تعریف جامعه شناسی بالینی.....
۵۰	ریشه یابی مفهوم بالینی.....
۵۷	واکاوی معنای کنش جامعه شناسانه در عمل بالینی.....
۶۰	تفاوت سیستم های اجتماعی و سیستم های مکانیکی و ارگانیسمی.....
۶۲	تحلیل مسایل اجتماعی با رویکرد سیستم اجتماعی باز در مقابل سیستم اجتماعی بسته.....
۶۶	سیستم های اجتماعی، واقعیت یا ساخت.....
۶۷	جمع بندی.....
۶۹	REFERENCES.....
۷۳	فصل سوم.....

۷۳	.....همکاری بین رشته‌های
۷۴	.....الف- عادت واره های غلط دانشگاهی:
۷۶	.....ب- ابهام در چگونگی تعامل بین رشته‌های
۷۹	.....بازخوانی تمثیل کیک اجتماعی
۸۱	.....جایگاه همخانواده های رشته جامعه شناسی در همکاری های بین رشته ای
۸۱	.....رابطه جامعه شناسی و انسان شناسی اجتماعی
۸۴	.....رابطه جامعه شناسی و مددکاری اجتماعی
۸۹	.....رابطه جامعه شناسی و روان شناسی
۹۲	.....رابطه میان جامعه شناسی و روان شناسی اجتماعی
۹۵	.....REFERENCES
۹۹	.....فصل چهارم
۹۹	.....فراسوی پژوهش های رایج:
۹۹	.....حرکت از پاسخگو به سمت مراجع
۱۰۳	.....چالش های اخلاقی
۱۰۷	.....چالشهای آموزشی
۱۱۱	.....چالش های بینشی نسبت به مراجع
۱۱۱	.....مفهوم مراجع از منظر جامعه شناس بالینی:
۱۱۵	.....مراجع به عنوان عامل:
۱۲۰	.....چالشهای منشی
۱۲۳	.....REFERENCES
۱۳۱	.....فصل پنجم

۱۳۱.....	روش مناسب پژوهش در.....
۱۳۱.....	جامعه‌شناسی بالینی.....
۱۳۱.....	گزینش روش مناسب (چالش‌ها و انتقاداتها).....
۱۳۲.....	الف: جامعه‌شناسی هنوز به اندازه کافی بالغ نشده است.....
۱۳۶.....	ب- ورود به میدان عمل زینده جامعه‌شناس نیست.....
۱۳۹.....	روش جامعه‌شناسی بالینی: مطالعه موردی مدیریت محور.....
۱۴۰.....	تفاوت مفهوم مورد در پژوهش‌های کمی با پژوهش‌های بالینی.....
۱۴۳.....	تفاوت مفهوم مورد در پژوهش‌های کیفی با پژوهش‌های بالینی.....
۱۴۵.....	روش انتخاب موارد.....
۱۴۵.....	موقعیتهای مختلف مطالعه موردی مدیریت محور.....
۱۴۶.....	مزایای مطالعه موردی مدیریت محور.....
۱۵۰.....	REFERENCES.....
۱۵۵.....	فصل ششم.....
۱۵۵.....	موقعیت‌های عملی و بحران مهارت.....
۱۵۶.....	خدمات اجتماعی جامعه‌شناسی بالینی.....
۱۵۷.....	کلینیک‌های اجتماعی بالینی.....
۱۵۸.....	کنشگری در عرصه عمومی.....
۱۵۹.....	میزان آمادگی جامعه‌شناسان برای ارائه خدمات اجتماعی.....
۱۷۱.....	REFERENCES.....
۱۷۷.....	فصل هفتم.....
۱۷۷.....	نتیجه‌گیری.....

۱۷۷..... به کجا چنین شتابان .....

۱۷۸..... اصلاح برنامه های درسی .....

۱۸۲..... حرفه ای شدن و تاسیس انجمن ها .....

۱۸۷..... یکی دو کلام آخر .....

۱۹۱..... REFERENCES .....

۱۹۵..... منابع : .....

هیچ رنجی بالاتر از تحمل یک داستان ناگفته در درون شما نیست

## ما یا آنجلو

### سخنی با خواننده

نمی‌دانیم تا به حال این تجربه را داشته‌اید یا خیر؟ مطلبی سالیان سال ذهن شما را به خود مشغول نموده است. به نظر این مطلب واضح و بدیهی می‌آید. اما کسی آن را چنان که شما درکش می‌کنید؛ طرح نکرده است. در این مواقع با خود می‌گویید، شاید من حساس هستم یا مشکلی دارم که با این موضوع به راحتی کنار نمی‌آیم و با این واگویی‌های شخصی روزگار سپری می‌کنید تا اینکه ناگهان با شعر، ترانه یا متنی روبرو می‌شوید که انگار حرف دل شما را بر زبان آورده است. یک باره احساس می‌کنید که دیگر تنها نیستید. حداقل یک نفر دیگر مثل شما در این جهان آن مطلب را لمس کرده و بر زبان آورده است.

حکایت‌آشنایی ما با متن انگلیسی این کتاب چنین تجربه‌ای بود. بعد از سال‌ها تدریس و تحقیق در رشته جامعه‌شناسی، همچنان چیزی مبهم آزارمان می‌داد. احساس می‌کردیم، که در رشته جامعه‌شناسی نباید اینگونه تحقیق و تدریس نمود. ما راه‌های متعددی را آزموده بودیم. از روش کمی به پژوهش‌های کیفی روی آورده و یا کلاس‌های خود را تا حد امکان به زبانی ساده برگزار می‌کردیم؛ اما در نهایت چشم‌هایی که در کلاس‌ها می‌درخشیدند؛ هر روز کم‌فروغ‌تر می‌شدند و ما هم هر چه بیشتر احساس خستگی و درماندگی می‌کردیم. تا اینکه به کتاب حاضر برخوردیم. حرف‌های این کتاب

گویی از اعماق وجود ما بر می‌آمد. انگار گمشده خود را پیدا کرده بودیم و حصار تنهایی ما شکسته شده بود. طبیعی بود که بلافاصله تصمیم گرفتیم کتاب را ترجمه کنیم تا شاید صدای این کتاب به گوش همفکران تنهای دیگری چون خود ما هم برسد. اما در مسیر ترجمه دریافتیم، که نمی‌توان این کتاب را به شیوه معمول که نوعی ترجمه لفظ به لفظ می‌باشد؛ به زبان فارسی برگردانیم. اگر می‌خواستیم روح مطلب نهفته در کتاب حفظ شود؛ بایستی بسیاری از پاراگراف‌ها را جا بجا می‌کردیم و یا توضیحات اضافه‌ای می‌دادیم که مطلب برای خواننده قابل فهم شود؛ بنابراین تا مدتی از ترجمه کتاب منصرف شدیم؛ تا اینکه جناب آقای دکتر حسین قنبری، یکی از دوستان آگاه و همراه ما که انتشار این کتاب به همت ایشان انجام شده است؛ پیشنهاد استفاده از واژه ترجمه تالیف را دادند. این پیشنهاد بار زیادی را از دوش ما برداشت و حاصل آن کتابی شد که اکنون در دستان شماست.

در این کتاب تلاش بسیاری کرده ایم تا به روح مطالب پایبند بوده و منظور نویسندگان را به درستی منتقل نماییم. برای رسیدن به این مهم هر بخش کتاب چندبار بازنویسی شد تا بالاخره پس از حذف و اضافه‌های گاه به گاه، مطالب برای افق‌های ذهنی خواننده ایرانی آشنا شود. البته ما به این نکته واقف هستیم که این شیوه ایرادی دارد و آن این است که خواننده در نهایت متوجه نمی‌شود آنچه خواننده؛ برداشت مترجم بوده است یا نویسنده کتاب. به همین خاطر توصیه ما این است که اگر نکات کتاب را جذاب دانستید؛ قبل از هرگونه نقل قولی به اصل کتاب و یا منابع آن مراجعه نمایید.



# فصل اول

## برپایی صحنه‌ای برای

### حضور جامعه شناسی بالینی

اگر نگاهی به فعالیت های جامعه شناسان در طول قرن بیستم بیاندازیم؛ درمی یابیم که آنها در سرتاسر جهان همواره با تلاش بسیار کوشیده اند؛ جایگاه حوزه مطالعاتی خود را به عنوان یک علم معتبر و دانشگاهی محکم نمایند. برای دستیابی به این هدف، آنها روش های تجربی را که در سایر رشته های علوم اجتماعی توسط صاحب نظران این رشته ها معرفی شده بود؛ الگوبرداری کرده و جامعه شناسی را به عنوان علمی معرفی کردند که از روش های معتبر در تحقیقات خود بهره می گیرد. همچنین آنها برای حفظ آبروی این رشته کوشیدند تا در بررسی و توضیح پدیده های اجتماعی، بی طرفی فکری خود را حفظ نموده و از هر چیزی که این بی طرفی را به زیر سوال می برد؛ دوری نمایند. این گونه شد که جامعه شناسان تمام توجه خود را کاملاً به پسوند "شناسی" در واژه ی جامعه شناسی معطوف نموده و به خود یادآور شدند که وظیفه عمده آنها درک عینی و علمی جامعه بوده و باید به انباشت دانش در همین مسیر ادامه دهند.

با این حال اگرچه انباشت دانش ارزشمند بوده و هست اما جامعه شناسان به حال خود رها نشدند. آنها مدام با این پرسش روبرو می شدند که آیا دانشی که فراهم آورده اند؛ مفید بوده و به بهبود وضعیت انسان ها کمک می نماید؟ متأسفانه بسیاری از جامعه

شناسان به این پرسش پاسخی ندادند. شاید آنها نگران این مساله بودند که دخالت آنها در موقعیت‌های عملی و کاربرد دانش دانشگاهی‌شان، آنها را از موضع بی‌طرفی علمی خارج نموده و جایگاه آنها را به عنوان دانشمند به زیر سوال ببرد و با این توجیه آنها خود را مشغول چیزی نمودند که برای یک قرن بهترین کار ممکن برای آنها بود. یعنی در دانشگاه تدریس کردند؛ بر کار دانشجویانشان نظارت کردند و به انجام پژوهش‌های اجتماعی خود را سرگرم نمودند. این گونه بود که یک قرن گذشت و انبوهی از داده‌ها و نظریه‌ها بر روی هم انباشته شد. اکنون پس از گذشت این همه سال، ما در برابر این پرسش طبیعی قرار گرفته ایم که پس از این باید چکار کنیم؟ آیا زمان آن فرا نرسیده است تا این نظریه‌های گوناگون، دیدگاه‌ها و مفاهیم انتزاعی را به آزمون نهایی گذاشته و تلاش کنیم تا نشان دهیم این دیدگاه‌ها و مفاهیم تا چه اندازه در موقعیت‌های اجتماعی کاربردی و مفید می‌باشند؟ آیا زمان آن نرسیده است تا باور بنیانگذاران این رشته را که جامعه‌شناسی می‌تواند به بهبود وضعیت اجتماعی کمک نماید بیازماییم؟ آیا نباید به فراسوی محدودیت‌های خیالی‌ای گام بگذاریم که جامعه‌شناسان برای خود وضع نموده و گرفتارش شده‌اند؟

محدودیت‌هایی که جامعه‌شناسان (اروپایی و آمریکایی) برای ورود و مداخله در موقعیت‌هایی عملی بر خود روا داشته‌اند؛ بیش از همه جامعه‌شناسان جهان سوم را گرفتار احساس ناتوانی عذاب‌آوری نموده است. آن‌ها به هرج و مرج اجتماعی و رنج‌های انسانی در اطراف خود نگاه می‌کنند و با این حال به عنوان جامعه‌شناس یاد گرفته‌اند که تحقیقات انجام داده و فقط در مورد یافته‌های خود صحبت کنند. اگر آن‌ها تصمیم بگیرند در فعالیت‌های اجتماعی شرکت کنند، نمی‌دانند دقیقاً باید چه کاری انجام دهند تا وضعیت اجتماعی نگران‌کننده جامعه‌ی خود را بهبود ببخشند. چرا؟ چون در آموزش‌های خود به عنوان جامعه‌شناس با استراتژی‌های فعالیت اجتماعی و مداخله مواجه نشده‌اند. با این حال، آن‌ها می‌بینند که فارغ‌التحصیلان سایر رشته‌ها نظیر روانشناسی، مددکاری اجتماعی، مشاوره و پزشکی همیشه آماده شرکت و ایفای نقش خود در جامعه هستند بدون اینکه خیلی مردد به نظر بیایند. پیام غیر مستقیم این رشته

ها برای جامعه شناسی این است که اگر جامعه‌شناسان می‌خواهند به عنوان شهروندانی مفید و مسئول پذیرفته شوند، باید یادگیرند مستقیماً مهارت‌ها و ابزار جامعه‌شناسی را برای حل مسائل و چالش‌های اجتماعی بکار گیرند.

خوشبختانه همیشه افراد و گروه‌هایی از جامعه‌شناسان وجود داشته‌اند که در جستجوی راه‌های کاربردی نمودن دانش خود، شک به خود راه نداده‌اند. آن‌ها هرگز از ماموریت زندگی خود که نقش جامعه‌شناس را فراتر از تولید بینش در مورد جوانب مختلف جامعه انسانی می‌بینند، منحرف نشده‌اند. به عبارت دیگر، آن‌ها معتقد بوده و هستند که جامعه‌شناس باید در فعالیت‌های اجتماعی و مداخله در مسایل اجتماعی کوشا باشد. آن‌ها همواره خواهان آن بوده‌اند تا جامعه‌شناسی چیزی فراتر از بازی با "تخیل جامعه‌شناسی خود" در سخنرانی‌ها، نوشته‌ها و گفتگوهای عمومی باشد (جوزف<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱؛ نک<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱؛ شویلر<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). آن‌ها در بسیاری از کشورها طی دهه‌ها، با استفاده از روش "آزمون و خطا"، در حال توسعه رویکردهای خود برای انجام انواع فعالیت‌های مداخله اجتماعی بوده‌اند. آن‌ها همچنین در تبلیغ برای نیاز فوری به آموزش جامعه‌شناسی برای ادغام مهارت‌ها و رویکردهای کاربردی که می‌تواند توسط فارغ‌التحصیلان آن‌ها استفاده شود، همیشه صدای بلندی داشته‌اند. به عنوان مثال در دهه ۱۹۸۰، دو جامعه‌شناس، سوان<sup>۴</sup> (۱۹۸۰) و روسی<sup>۵</sup> (۱۹۸۰) همزمان در مقالات جداگانه خود اعلام کردند که زمان برای جامعه‌شناسان برای "خروج از پنجره" و کاربرد دانش خود و شجاعت برای مواجهه و رسیدگی به مسائل واقعی موجود در جامعه که در آن زندگی می‌کنند، فرا رسیده است. هرچند تا به امروز، کمتر گوش شنوایی برای تقاضای شورانگیز آن‌ها وجود داشته است.

---

1- Joseph

2-Nack

3- Schuyler

4- Swan

5- Rossi

اگرچه دعوت افرادی نظیر سوان و روسی برای بلند شدن از روی صندلی راحتی و ورود به میدان عمل کمتر از سوی جامعه‌شناسان پذیرفته شد؛ با این حال کسانی که تمایل به کاربردی نمودن دانش خود داشتند؛ منتظر تایید و یاری سایر جامعه‌شناسان نشدند. آنها در طول چند دهه به تدریج رویکردها و روش‌های مداخله در حل مسایل اجتماعی را بسط، توسعه و بهبود داده و این امکان را فراهم نمودند تا افراد علاقمند به این حوزه آن را به عنوان یک شغل در تمام عمر دنبال نمایند.

البته ناگفته نگذاریم؛ برخی از نشانه‌ها بیانگر علاقه و کنجکاوی تدریجی جامعه‌شناسانی است که پیش ازین به فراخوان‌های جامعه‌شناسان کاربردی بی‌اعتنا بودند. نخستین نشانه، ظهور انجمن‌هایی است که به جنبه‌های کاربردی و بالینی رشته جامعه‌شناسی مشتاق می‌باشند. همچنین نوشتن چندین کتاب و ظهور مجلاتی در این زمینه گویای توجهی است که برخی از جامعه‌شناسان عمدتاً اروپایی و آمریکایی به این عرصه به عنوان یک گزینه حرفه‌ای مشروع و متمایز داشته‌اند. از سویی دیگر اکنون رشته جامعه‌شناسی در شکل سنتی خود جذابیت خود را برای علاقمند نمودن مردم به این رشته تا حدودی از دست داده است. این نکته را از میزان دانشجویانی که در رشته جامعه‌شناسی ثبت نام کرده و یا در تعداد آگهی‌های شغلی که به دنبال فارغ‌التحصیل جامعه‌شناسی می‌باشند می‌توان دریافت. در مقابل تقاضا برای حضور جامعه‌شناسان کاربردی و بالینی در بخش‌های دولتی و خصوصی رو به افزایش می‌باشد.

اما موضوع جامعه‌شناسی کاربردی به طور عام و جامعه‌شناسی بالینی به طور خاص چیست؟ هدف اصلی کتاب حاضر پاسخگویی به این پرسش می‌باشد. در این کتاب ما پرده از شور و شوقی نامیرا در میان جامعه‌شناسانی بر خواهیم داشت که بی‌وقفه کوشده‌اند تا جامعه‌شناسی کاربردی را به عنوان یک جزء مشروع از "جامعه‌شناسی شایسته" معرفی نموده و خواستار قرار دادن جامعه‌شناسی بالینی در برنامه‌های درسی دانشگاهی بوده‌اند و در مقابل به استدلال‌های مخالفان آنها و جنگی داخلی که در این رشته بر سر این موضوع ایجاد شده است خواهیم پرداخت.

ما در این کتاب ابتدا به رویکردهای مختلفی می پردازیم که همگی دغدغه کاربردی نمودن رشته جامعه شناسی را دارند. سپس به ظهور و بروز جامعه شناسی بالینی به عنوان یک تخصص کاربردی ویژه و امید بخش روی می آوریم. در این راستا به تلاش ها، رویاها و امیدهای پیشگامان این تخصص اشاره خواهیم کرد. کسانی که البته نسبتا ناشناخته بوده و نام آنها به ندرت در گفتگوهای عمومی جامعه شناسی شنیده می شود.

و اما داستان نوشتن این کتاب، انگیزه نوشتن این کتاب به تجربه های شخصی و حرفه ای ما در کشور مالزی باز می گردد. شغل ما ایجاب می کرد که در محیط های عملی و در کنار تیم های مداخله نظیر روانشناسان بالینی قرار بگیریم و با مسایلی روبرو شویم که عمدتا پسوند بالینی را یدک می کشیدند. مثلا ما با معتادان، افراد مبتلا به HIV یا کودکان با ناتوانی های جسمی و ذهنی، کار می کردیم. در آن زمان ما همواره در برابر یک سوال رایج قرار می گرفتیم. مردم از ما می پرسیدند که آیا شما روانشناس بالینی هستید؟ وقتی پاسخ می دادیم نه، جامعه شناس هستیم. اغلب مردم بلافاصله می گفتند آهان متوجه شدم شما جامعه شناس بالینی هستید. پس از مدتی، عنوان ما جامعه شناس بالینی شده بود. در آن موقع ما نمی دانستیم چنین عنوانی در سایر نقاط جهان استفاده می شود. مردم هنگامی که نکات روان شناسان بالینی و مشاورین دیگر را می شنیدند از ما می خواستند که نظر خود را به عنوان یک جامعه شناس بالینی در مورد مشکلشان بیان نماییم. ما نیز از خلاقیت و نوآوری فردی خود استفاده کرده و تلاش می کردیم تا به آنها راهکارهای موثری بدهیم. اما به شدت نیاز داشتیم تا کوشش های سایر جامعه شناسان را در این قلمرو مطالعه کرده و از ذخیره ی دانشی آنها بهره گیریم. ما در آن نوشته ها اشتیاقی را مشاهده کردیم که جامعه شناسان بالینی در مواجهه با موقعیت های عملی از خود بروز می دادند. این جا بود که ایده تدوین کتاب حاضر در ذهن ما جوانه زد. کتابی که بدون پرداختن به جزئیات بیش از حد دانشگاهی، به بحث ها و جدل های پیرامون جامعه شناسی بالینی بپردازد. کتابی که در آن ویژگی های شخصی نویسندگان آن در سبک نوشته ی آنها نمایان بوده و مواجهه آنها را با موقعیت های

عملی نشان دهد. کتاب حاضر با این نیت نوشته شده و امیدوار است که گامی هر چند کوچک در راستای پیشبرد تلاش‌های پیشگامان این حوزه باشد.

ما در این کتاب از سویی به رویکردهای استاندارد و جا افتاده ای خواهیم پرداخت که در توصیف و تبیین پدیده‌های اجتماعی از سوی جامعه‌شناسان بالینی استفاده شده و از سویی دیگر با ذکر مثال‌هایی به کاربرد این رویکردها در عمل اشاره خواهیم نمود. ما می‌دانیم مسیری که در این رشته می‌پیماییم سراسر آزمون و خطا هست و به مانند قلمروی پزشکی بایستی به تدریج آن را پیمود و کوله بار خود را از دانش و تجربه انباشته کرد. پس اگرچه این راه نو باشد و مقصد هم ناپیدا به باور ما کسانی که دلیرانه در آن قدم می‌گذارند؛ پاداش‌های آشکار و پنهانی نصیب‌شان خواهد شد. پس بیاید با هم این سفر را آغاز نماییم.

## از جامعه‌شناسی بنیادی تا جامعه‌شناسی کاربردی: داستان یک پیوستار

پیش از قدم‌گذاری در مسیر جامعه‌شناسی بالینی بایستی مرزهای این مسیر با راه‌های مشابه و غیر مشابه آن را مشخص نماییم. ما باید بدانیم نسبت جامعه‌شناسی بالینی با جامعه‌شناسی کاربردی چیست و تمایزات آن با جامعه‌شناسی بنیادی چه می‌باشد؟ برای پاسخ گفتن به این پرسش از نظرات جامعه‌شناس لهستانی استومپکا<sup>۱</sup> (۱۹۷۹) شروع می‌نماییم. وی معتقد بود که پژوهش‌های جامعه‌شناسی بر محور چهار هدف و یا وظیفه زیر سامان می‌گیرند:

الف- توصیف: در این دسته از پژوهش‌ها، جامعه‌شناسان وظیفه‌ی خود را پاسخ دادن به پرسش چیستی یک پدیده اجتماعی می‌دانند.

ب- تبیین: در این دسته از پژوهش ها، جامعه شناسان وظیفه ی خود را پاسخ دادن به این پرسش می دانند: چرا این پدیده بوجود آمده و فرایند شکل گیری آن چگونه بوده است؟

ج- پیش بینی: در این جا جامعه شناسان درگیر آینده بوده و از خود می پرسند که با توجه به مطالعه و پژوهش هایشان روندهای آینده چگونه خواهد بود؟

د- کاربرد: دغدغه جامعه شناسان در این جا تغییر وضع موجود است. آنها از خودشان می پرسند با توجه به دانشی که داریم چگونه می توانیم وضع موجود را تغییر بدهیم؟

استومپکا بر این باور بود که سه هدف یا وظیفه اول در حوزه جامعه شناسی دانشگاهی یا جامعه شناسی محض قرار داشته و چهارمین وظیفه بر عهده ی جامعه شناسان کاربردی است. او معتقد بود که جامعه شناسی از عهده و وظیفه (توصیف) به خوبی برآمده در حالی که در حوزه های ( تبیین، پیش بینی و کاربرد) کمتر تلاش مناسبی صورت گرفته است. هانس ال زتربرگ<sup>۱</sup> (۱۹۶۲) نظر مشابهی داشت. به نظر او سه وظیفه آخر (تبیین، پیش بینی و کاربرد) نسبتا نادیده گرفته شده واز میان آنها وظیفه کاربردی نمودن دانش جامعه شناسی به دلیل شکست آشکار این علم در تولید دانش برای مداخله ی اجتماعی بیش از بقیه نادیده گرفته شده است. به گفته وی اگر به صدها مقاله ی پژوهشی در نشریه های حرفه ای جامعه شناسی نگاهی بیندازیم می بینیم که نویسندگان این مقالات توصیه می کنند تا در این زمینه پژوهش بیشتری انجام شود و کمتر شاهد متنی هستیم که از خوانندگان می خواهد یافته های پژوهش را در موقعیت های عملی بیازمایند.

در این جا ما شاهد شکل گیری دو اردوگاه متفاوت هستیم. نام اردوگاه اول جامعه شناسی محض است که گاهی عناوین دیگری را نیز همچون بنیادی، خالص، علمی، دانشگاهی و تجربی یدک می کشد. اردوگاه دیگر خود را با عنوان جامعه شناسی کاربردی می شناسد که گاهی با عناوین دیگر نظیر "فعال"، "عملی"، "مهندسی"، "تمرینی" و